



ب- مریبان ایرانی

با این توضیح که فهرست مریبان ایرانی به دلایل مختلف و از همه مهمتر کمبود جا، کوتاه‌تر از مریبان خارجی خواهد بود. بسیاری از این چهره‌ها برای فوتبال دوستانه آتقدرشناخته شده‌اند که نیازی به توضیح و اباحت ندارند.



حسین صدقیانی

وقتی ایران برای نخستین بار به جام جهانی ۱۹۷۸ رسید پست مدیریت تیم را به حسین صدقیانی دادند. مردی که از او با نام پدر فوتبال ایران یاد می‌شد و هیچ‌کس با این لقب مشکل نداشت. حسین صدقیانی در سال‌هایی که فوتبال در ایران وجود نداشت، ژوئنر بود و در اروپا بازی می‌کرد.

او شهریور ۱۳۲۰ و تولد تیم ملی در نخستین سرمربی تاریخ فوتبال ما لقب گرفت و پس از آن بارها و بارها با سمت‌های مختلف به فوتبال ملی خدمت کرد. صدقیانی تا ۱۳۲۹ در ۱۰ مسابقه روی نیمکت ما نشست که نیمی از آنها را برد و ۳ تا را باخت، مسابقاتی که اغلب دوستانه بود.



مصطفی سلیمی

یکی از گمنام‌ترین مریبان تاریخ فوتبال ما، مردی که از ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۴ هر بار که قرار به تشکیل تیم ملی یا مسابقه‌ای در پیش بود و کاندیدای دیگری وجود نداشت، می‌آمد و دره مسابقه دو بازی را برد و تا را مساوی کرد و یکی را باخت.



حسین فکری

یکی دیگر از نام‌های بزرگ تاریخ فوتبال ایران. مردی که عضوی از تیم ملی در نخستین عرصه بین‌المللی یعنی در بازی‌های آسیایی ۱۹۵۱ بود و بعدها به عنوان مالک باشگاه تهران جوان و به عنوان مربی طی ۵۰ سال شاگردان بی‌شماری را تربیت کرد و تحویل فوتبال ایران داد. حسین فکری هم در دو مقطع در دهه چهل روی نیمکت تیم ملی نشست و ایران را به المپیک ۱۹۶۴ رساند. سال ۴۶ یک بار دیگر به تیم ملی رسید و در دو مسابقه یک برد و یک باخت به دست آورد که پایانی بر کار او در این سمت بود.



محمود بیاتی

برادران بیاتی از تاجی‌های قدیمی بودند. افسران ارتشی که وارد فوتبال شدند و تا قبل از پیروزی انقلاب قدرت اصلی این رشته دست آنها بود. بیاتی در آستانه جام ملت‌های ۱۹۶۸ که نخستین میزبانی ایران و نخستین حضور ما در بالاترین سطح فوتبال قاره بود، هدایت تیم ملی را برعهده گرفت و با چهار پیروزی در چهار مسابقه ایران را به نخستین قهرمانی جام ملت‌ها رساند. در سال ۱۳۵۱ یک بار دیگر هدایت تیم ملی را برعهده گرفت، در یک مسابقه که حاصل آن یک پیروزی بود.



محمد بیاتی

پس از رفتن رایکوف و تا قبل از آمدن نتو، محمد بیاتی هدایت تیم ملی را در سال ۴۹ و در یک مسابقه برعهده گرفت که به پیروزی هم رسید.



پیروز دهداری

مربی اخلاق از نامدارترین اسطوره‌های مکتب شاهین بود. در دهه سی به عنوان کاپیتان تیم ملی اسم رسمی به هم زد و سپس کار مربیگری را در همان مکتب شاهین آغاز کرد. دهداری نخستین بار در سال ۱۳۵۰ و در آستانه سفر برای دوبازی دوستانه به کره جنوبی هدایت تیم ملی را برعهده گرفت که یکی را برد و یکی را باخت، هر دو با نتیجه ۰-۲.

سپس در آستانه جام ملت‌های ۱۹۷۲ جای خود را به دستیارش محمد رنجبر سپرد و از تیم ملی رفت. در سال ۱۳۶۵ و در آستانه بازی‌های آسیایی دوباره برگشت. در بازی‌های آسیایی ۸۶ سئول در ضربات پنالتی به کره جنوبی باخت و پس از آن ۱۴ بازیکن نامدار آبی و قرمز از تیم ملی استعفا دادند و شرط بازگشت خود را برکناری دهداری گذاشتند. فدراسیون وقت پشت مربی اخلاق ایستاد و دهداری از دسته دوم و سوم باشگاه‌های تهران و شهرستان‌ها جوانانی را جمع کرد که چند سال بعد نام آوران فوتبال آسیا شدند؛ از احمدرضا عابدزاده، مجتبی محرمی، جواد زرینچه تا صمد مرفاوی، مهدی فونونی‌زاده و دیگران.

پس از جام ملت‌های ۸۸ قطر وقتی بابی مهری تماشاگران در ورزشگاه آزادی در دیدار دوستانه با ژاپن روبه‌رو شد، دوباره رفت و چند ماه بعد از این ماجراها برای همیشه کالبد جسم خاکی را رها و آسمانی شد.



محمد رنجبر

اولین کسی که کلکسیون سمت‌هایش در تاریخ فوتبال ملی ایران را تکمیل کرد. کرد کر ما نشا هی بلند بالا در فوتبال ایران با لقب سرهنگ شناخته می‌شد. بازیکن، کاپیتان و کمک مربی تیم ملی بود که در سال ۵۱ و در آستانه جام ملت‌های



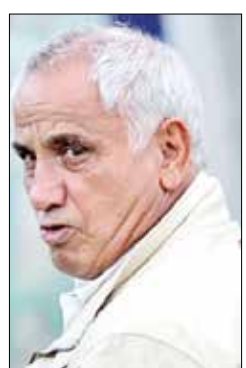
حشمت مهاجرانی

پرافتخارترین مربی ایرانی تیم ملی تا امروز... کاپیتان سابق پاس در همان مکتب و خیلی زود مربیگری را شروع کرد؛ بدعتی که تا دهه هشتاد و تا زمان حیات پاس ادامه داشت و نامدارانی چون فیروز کریمی، فرهاد کاظمی یا ساکت الهامی هم مربیگری را از سن بازیگری آغاز کردند. مهاجرانی هنوز می‌توانست بازی کند اما کفش‌ها را کنار گذاشت و مربی شد. در دهه ۵۰ به عنوان سرمربی تیم ملی جوانان ایران را قهرمان بلامنازع آسیا کرد و سال ۵۵ بعد از رفتن اوفارل در حالی که به عنوان دستیار تجربیات زیادی آموخته بود هدایت تیم ملی را برعهده گرفت و با تزیق بازیکنان جوان خود اسکلتی ساخت که به نسبت تلایان اول



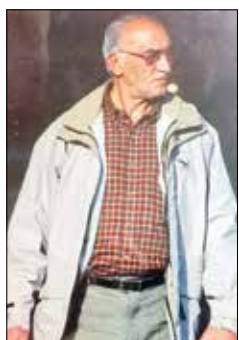
حسن حبیبی

وقتی تابستان ۱۳۵۹ مقامات وقت ورزش کشور تصمیم به حضور ایران در جام ملت‌های ۱۹۸۰ گرفتند نخستین تیم ملی بعد از انقلاب با یک اردوی دو هفته‌ای در بوشهر تشکیل شد. بازیکنانی که بیش از دوسال اصلاً فوتبال بازی نکرده بودند باید زیر نظر یک مربی آماده می‌شدند تا از ۳ عنوان قهرمانی متوالی ایران در جام ملت‌ها دفاع کنند. هدایت این تیم به حسن حبیبی سپرده شد، کاپیتان ایران در اولین قهرمانی جام ملت‌های ۱۹۶۸ و مردی که در دوره پایانی لیگ تخت جمشید - آخرین لیگ برگزار شده در فوتبال ایران تا آن



اصغر شرفی

دستیار حشمت مهاجرانی در جام جهانی ۱۹۷۸ و مربی سابق پاس، یکی از کسانی بود که در سال‌های نداشتن فوتبال داخلی و عدم حضور ایران در عرصه بین‌المللی به عنوان سرمربی تیم ملی - سال ۵۹ پس از حسن حبیبی - انتخاب شد اما هرگز روی نیمکت ایران در یک مسابقه رسمی ننشست.



حسین ابشناسان

در سال ۱۳۶۱ مدتی به عنوان سرمربی تیم ملی انتخاب شد اما اوهم در هیچ مسابقه رسمی روی نیمکت ننشست.



احمد طوسی

یکی دیگر از چهره‌های معروف فوتبال تهران که در سال ۱۳۶۲ به عنوان سرمربی تیم ملی انتخاب شد اما هیچ مسابقه دوستانه و رسمی در دوره او برگزار نشد.

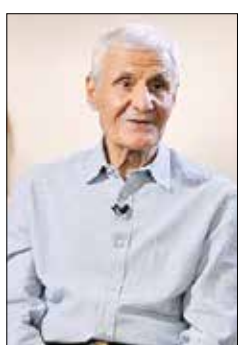


محمود یآوری

وقتی ایران برای حضور در جام ملت‌های ۱۹۸۴ اعلام آمادگی کرد، باید به جاکارتا می‌رفت تا در پایتخت اندونزی در مسابقات مقدماتی شرکت کند. سرهنگ یآوری هدایت تیم ملی را برعهده گرفت و طی شش مسابقه با شش پیروزی و ۲۲ گل زده و تنها سه گل خورده مقتدرانه ایران را به دور نهایی رساند. یآوری در یک مسابقه دوستانه هم هدایت تیم ملی را برعهده داشت که با شکست در همان یک مسابقه رکورد ۱۰۰ درصد پیروزی به ۸۵ درصد تنزل پیدا کرد تا در رده سوم تاریخ بایستد. سرهنگ یآوری یک بار دیگر در سال ۸۸ تا یک قدمی نیمکت تیم ملی رسید اما این بار حکم به نام زده نشد تا با مربیگری در لیگ برتر ایران در تیم‌های مختلف به کار خود پایان دهد.



آن زمان رکورد همه مریبان هم بود - ۱۱ برد، ۹ مساوی و ۹ باخت آورد، ۵۲ گل زده و ۳۴ گل خورده با نام‌هایی که هنوز هم بزرگتر از آنها نیامده است؛ از ناصر حجازی تا علی پروین و حسن روشن...



هیچ کاری ناگهان چند روز بعد دستیار تیم ملی جوانان جانشین او شد!



ناصر ابراهیمی

یکی از مریبان قدیمی و بازیکن ساز فوتبال تهران به عنوان دستیار محمود یآوری روی نیمکت تیم ملی می‌نشست که پس از استعفای سرهنگ، هدایت ایران را در دور نهایی جام ملت‌های ۱۹۸۴ برعهده گرفت. دو پیروزی، چهار مساوی و دو شکست باعث شد ابراهیمی با تیمی که هنوز هم بسیاری معتقدند بهترین تیم ملی تاریخ ما بوده به عنوانی بهتر از چهارمی جام ملت‌ها نرسد. او بعدها به عنوان دستیار علی پروین دوباره به نیمکت تیم ملی برگشت و در پرسپولیس هم کنار سلطان بود.



پیروز ابوطالب

سال ۳۶۰ مسابقات باشگاهی در تهران راه افتاده بود و کم‌کم فوتبال به زندگی عادی مردم برمی‌گشت. انتخاب مردی از دل فوتبال تهران که بازیکنان زیادی را تحویل تیم‌های پایه‌ای داده بود، به عنوان سرمربی تیم ملی با استقبال روبه‌رو شد اما او هم هرگز در یک مسابقه رسمی روی نیمکت ایران ننشست.

جلال چراغپور

بازی‌های آسیایی ۱۹۸۲ دهلی نخستین حضور فوتبال با عنوان جمهوری اسلامی ایران بود و جلال چراغپور هدایت تیم ملی را برعهده داشت که در چهار مسابقه با دو پیروزی و دو شکست به کار خود خاتمه داد.



مربی اخلاق از نامدارترین اسطوره‌های مکتب شاهین بود. در دهه سی به عنوان کاپیتان تیم ملی اسم رسمی به هم زد و سپس کار مربیگری را در همان مکتب شاهین آغاز کرد

